

ماه‌ها بود که در جامعه صحبت از لایحه‌ای قضائی می‌شد که دارای ویژگی و حقوقی جدید برای زنان است. تصور این بود که حقوق جدید می‌تواند بهبود وضعیت زنان را در خانواده به ارمغان آورد و بخشی از کسری‌های مادی و معنوی زنان را در خانه سر و سامان بخشد. اما گروهی امید به تصویب حقوق جدیدی برای زنان را به عملکرد آینده مجلس موکول می‌کردند. لایحه حمایت از خانواده به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۳ هیئت وزیران به تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱ تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.

لایحه حمایت از خانواده در اصل پیشنهاد قوه قضائیه است که در آغاز تدوین لایحه، اهداف خود را چنین تبیین کرده است:

- ۱- کاهش مشکلات موجود در قواعد شکلی حقوق خانواده به ویژه برای بانوان و کودکان
- ۲- کاهش اطلاع دادرسی در دعاوی خانوادگی و تخصصی نمودن رسیدگی به این دعاوی
- ۳- رفع ابهام، تعارض و خلاء از قوانین و مقررات کنونی خانواده
- ۴- قضا زدایی از مقررات خانواده

این لایحه در مسیر ورود به دولت و تصویب آن جهت ارسال به مجلس دچار تغییراتی شد که جامعه زنان را به نقد و مخالفت با آن برانگیخت. به خصوص ماده ۲۳ که شرط اجازه زن اول برای ازدواج مجدد مرد را حذف و اجازه آن را به دادگاه واگذار کرده بود. عکس العمل‌ها به حدی بود که سخنگوی قوه قضائیه در مورد لایحه و تغییر آن در دولت را به اظهار نظر صریح واداشت. او گفت: قوه قضائیه در لایحه‌ای با «عنوان حمایت از خانواده» همه قوانین پراکنده از حدود سال ۱۳۱۳ تا امروز را در این لایحه تجمیع کرد تا بر اساس آن اهداف قوه قضائیه محقق شود... ماده ۲۳ که

نقدی بر

لایحه حمایت از خانواده

اشرف گرامی‌زادگان

این روزها نگرانی بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق زنان را برانگیخته است در لایحه پیشنهادی قوه قضائیه نبوده و دولت این ماده را به لایحه قوه قضائیه اضافه کرده است.»

در مورد این که آیا دولت حق داشته است در لایحه قضائی تغییراتی ایجاد کند یا نه، سخنگوی قوه قضائیه گفت: بر اساس تفسیر صریح شورای نگهبان نباید لایحه‌ای به لویح قوه قضائیه اضافه شود، به همین دلیل رئیس قوه قضائیه هم این موضوع را رسماً به رئیس جمهوری منتقل کردند.

رئیس سابق کانون وکلای دادگستری، بهمن کشاورز، نیز در این مورد گفت: «باید به این نکته توجه کرد که لویح قضائی صرفاً از طریق قوه قضائیه قابل ارائه به مجلس است و حسب نظر شورای نگهبان، دولت صرفاً می‌تواند عین لویح تنظیمی از قوه قضائیه را به مجلس تقدیم کند و حق دخل و تصرف در آن را ندارد، البته طرح‌ها از این ضابطه مستثنی هستند. اگر این تغییر از جانب دولت در متن لایحه قوه قضائیه وارد شده باشد، این اقدام از جهت شکلی و انطباق با قانون اساسی نیز واجد اشکال خواهد بود.»

ازدواج مجدد مردان: بیم اول

ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده بر خلاف انتظاراتی که زنان بر سر مطالبات و احقاق حقوق خود داشتند، موجب شد که بار دیگر تعدد زوجات و آزادی مردان در همسرگزینی بر سر زبان‌ها بیفتد.

متن ماده ۲۳ مذکور به این شرح است:

«ماده ۲۳- اختیار همسر دائم بعدی، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانائی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران می‌باشد.»

در تبصره این ماده آمده است: «در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است.»

متن ماده نشان از بی‌توجهی کامل به حقوق زنان و سلطه تفکر مردسالارانه در کشور است. همین متن و همین نگاه موجب شد که اکثریت فعالان حقوق زنان و حقوقدانان صریحاً اعلام کنند که لایحه حمایت از خانواده در جهت تضعیف خانواده گام برداشته است و بنیان خانواده را بر هم می‌زند.

ضرورت اجازه زن

اولین بار قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ موضوع اختیار همسر دوم را مطرح کرد. در ماده ۱۶ این قانون به صراحت اعلام شده

دولت با تضییع و مابجایی دو کلمه «باید» و «متنی المقدور» در متن ماده ۲ قوه قضائیه را از هدف الزامی نمودن حضور بانوان در مراکز خانواده‌دگی دور کرده است.

است که مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

- ۱- رضایت همسر اول
- ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی
- ۳- عدم تمکین زن از شوهر
- ۴- ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸
- ۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸
- ۶- ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸
- ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن
- ۸- عقیم بودن زن
- ۹- غایب مفقودالثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸

در ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده چگونگی اقدام مذکور و نحوه دادرسی آن مشخص شده است.

ماده ۱۷- متقاضی باید تقاضا نامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضا نامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانائی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند ۱ ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید را خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هر گاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از

شرط تأهل

در ماده ۲۱ لایحه دولت موجب محدودیت ورود زنان به مراکز مشاوره خانواده در لایحه حمایت از خانواده است.

دادگاه مبادرت به ازدواج نماید، به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط دربار مرد و زن جدید متوقف خواهد شد.

نگاهی دوباره به ماده ۱۶ و ۱۷ نشان می‌دهد که در این قانون نه تنها رضایت همسر اول مورد توجه قرار گرفته بلکه ۸ مورد دیگر نیز در زمره مواردی هستند که به زن و سلامت او و هدف ازدواج مربوط می‌شوند و قابلیت توجه به آن از موضوعات مورد نظر قانونگذار بوده است. البته ضمانت اجرای ماده ۱۷ که به زندانی شدن مرد متخلف منجر می‌شد با اظهار نظر شورای نگهبان غیرشرعی تشخیص داده شد.

اهمیت کیان خانواده

موضوع خانواده و تشکیل آن در جامعه ما آن چنان مورد توجه است که طرح تسهیل ازدواج به مجلس می‌رود و نام مراکز زنان باوازه خانواده جمع می‌شود و همه دست اندرکاران در باب اهمیت خانواده و بنیان آن سخنرانی و همایش برگزار می‌کنند و مسئولین خود را ملزم به پیروی از این سیاست می‌دانند. یک بار دیگر متن قانون اساسی را در مورد خانواده یادآور می‌شویم:

اصل دهم: از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

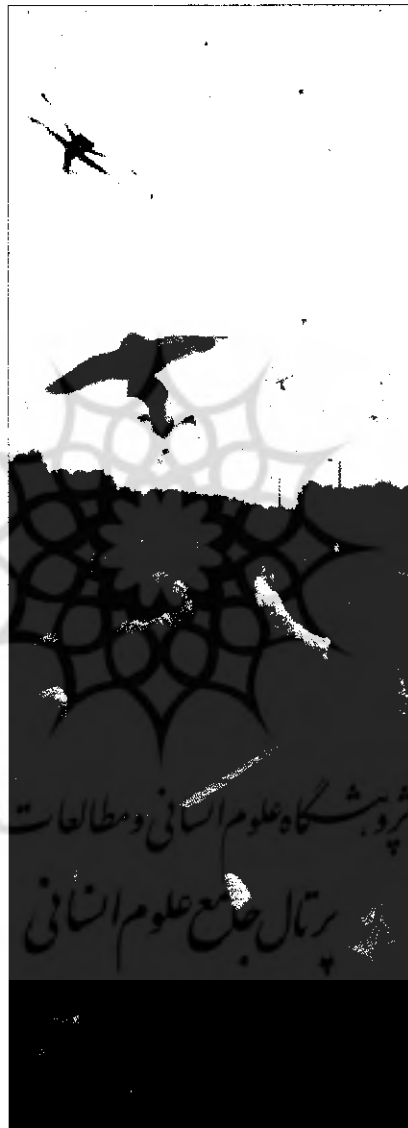
و یاد اصل ۲۱ که به اهمیت حقوق زن اشاره دارد: «... ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی او.»

آیا ماده ۲۳ با این محتوا موجب تحکیم خانواده می‌شود؟ آیا ماده ۲۳ به افزایش ازدواج منجر خواهد شد؟ و آیا اصولاً زنان تحصیلکرده‌ها که بیش از ۶۲ درصد در دانشگاه‌ها به کسب علم مشغول اند با این آینده‌نگری تن به ازدواج می‌دهند؟

ماده ۲۳ مصداق خشونت علیه زنان

چرا این ماده مصداق خشونت علیه زنان و تجویز این خشونت است؟ همه می‌دانند که خشونت علیه زنان پدیده‌ای جهانی است و تعریف آن شامل هرگونه آزار جسمی، جنسی و روانی می‌شود. خشونت سلامت و تندرستی زنان را به خطر می‌اندازد و به جامعه نیز خسارت وارد می‌کند. خشونت روانی به رفتار خشونت آمیزی

در ماده ۲۳
آنچه ملاک قرار گرفته در واقع
توانایی مالی مرد است
وگرنه کیست که ندارند
تعهد اجرای عدالت بین همسران
هرگز عملی نخواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پتانسیل جمع علوم انسانی

در صورت تصویب ماده ۲۳
آیا مسن معاشرت و یا معاضدت
زن و شوهر در تشدید میانی خانواده
و تربیت اولاد که قانون مدنی آن را در
راس محقق و تکالیف زوجین می داند،
معنا و مفهومی خواهد داشت؟

گفته می شود که اعتماد به نفس زن را خدشه دار می کند. این رفتار به شکل تحقیر، توهین، فحاشی، متلک و تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد خود را نشان می دهد و همین رفتار مردان باعث می شود که زن دچار انواع افسردگی، گریز از مشارکت در امور اجتماعی، پناه بردن به داروهای روانگردان و... فالگیری و رمالی، از دست دادن استعداد، عدم کفایت در مدیریت خانه، خودکشی و از دست رفتن اعتبار اجتماعی و خانوادگی شود.

آیا این ماده که بدون اجازه زن اول می خواهد به مرد حق ازدواج مجدد بدهد خشونت علیه زنان نیست؟

آیا حسن معاشرت و یا معاضدت زن و شوهر در تشدید میانی خانواده و تربیت اولاد که قانون مدنی آن را در رأس حقوق و تکالیف زوجین می داند، معنا و مفهومی دارد؟

این ماده زن را در خانه بی اهمیت و در نزد فرزندان بی ارزش جلوه می دهد و مدیریت زن را در خانه به هیچ می گیرد. مطمئناً با چنین ماده ای، نه تنها خانواده تحکیم نمی یابد بلکه روز به روز به سست شدن بیش تر بنیان آن منجر می شود. در ماده ۲۳ آنچه ملاک قرار گرفته در حقیقت توانایی مالی مرد است و گرنه کیست که نداند تعهد اجرای عدالت بین همسران هرگز عملی نخواهد بود. فقط پوسته ای ظاهری از عدالت است که خود را نشان می دهد.

پرداخت مهریه زن اول در این ماده شبیه حق الیسکوتی است که به زن پیشنهاد می شود و در همین جا می توان به این درک رسید که تدوین کنندگان لایحه دوم فراموش کرده اند که در خانواده، زن و مرد، در کنار هم و در زیر یک سقف زندگی می کنند و هر اتفاقی در این مجموعه تأثیر می گذارد و با پرداخت مهریه آن هم به این شکل، هرگز موجب از دست رفتن باز نمی گردد.

قضاوتی مردانه

موضوع مهمی چون ازدواج مجدد وقتی بدون رضایت همسر اول به دادگاه محول شود - به جهت نبودن زن قاضی در محکمه - که بتواند با درک صحیح از روحیه و مسائل زنان و یا تهدیدها و تطمیع ها به حقیقت مسئله واقف شود، احتمال افزایش تعدد زوجات را - که در شرایط کنونی و در جامعه ما مطلقاً ضرورتی به طرح آن نبوده است - بیش تر کرده و موجب لجام گسختگی در مردان و کمک به گرایش افزون خواهی آنان می شود.

نکاح موقت، بیم دوم

مروی بر ماده ۲۲ و تبصره آن در نقد لایحه ضروری است. لایحه منتسب به قوه قضائیه در

ماده ۲۲ آورده است: ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح و طلاق الزامی است.

تبصره - هر گاه نکاح موقت صورت گیرد و زن باردار شود، این نکاح نیز باید ثبت شود. ثبت نکاح موقت در سایر موارد بر اساس توافق زوجین به عمل می آید.

اما در لایحه دولت تبصره چنین است: ثبت نکاح موقت تابع آئین نامه ای است که به تصویب وزیر دادگستری می رسد.

لایحه اول با احراز این که فرزند حاصل از نکاح موقت دارای حقوق کامل است و این که عرف این ازدواج با توجه به موقت بودن آن، متعارفاً در نهان صورت می گیرد و علنی نمی شود، به توافق زوجین اهمیت داده است و در صدد گسترش آن بر نیامده است. اما پیشنهاد آئین نامه و تصویب آن توسط وزیر دادگستری لایحه را با ابهام مواجه می سازد و این نگرانی را موجب می شود که در آئین نامه، ازدواج دائم به مخاطره افتد و کاهش یابد و مباحث دیگری که باید مورد بررسی دقیق تری قرار گیرد.

الزام به حضور مستشار زن

در ماده ۲ متن لایحه قضائی، دادگاه خانواده ملزم شده که یکی از مستشاران دادگاه از بانوان دارنده پایه قضائی باشد. لذا از واژه باید استفاده کرده است. در مقدمه این لایحه پیش بینی «الزامی نمودن حضور بانوان دارنده پایه قضائی در محاکم خانواده و مداخله ایشان در فرآیند دادرسی و صدور رأی» یکی از اهداف مورد نظر بوده است. حال آن که در لایحه دولت از واژه «حتی المقدور» بهره گرفته شده است. همین تغییر که در جابجایی دو کلمه باید و حتی المقدور صورت گرفته، نشان می دهد که چقدر از هدف الزامی نمودن حضور بانوان در محاکم دور شده ایم. ذکر این نکته ضروری است که برخی از حقوقدانان و وکلای دادگستری ابراز می کنند که کاهش اسم لایحه را آئین دادرسی رسیدگی به مشکلات خانواده می گذاشتند زیرا بیش تر به مقررات شکلی توجه دارد.

شرط تاهل!

در ماده ۲۱ لایحه متأسفانه مسئله متأهل بودن بانوان مشاور تصریح شده است که این خود مانعی جدید به نام شرط تاهل برای حضور بخشی از زنان در محلی مهم مانند مراکز مشاوره خانواده و به تبع آن تأثیر در محاکم است. حال آن که در لایحه قضائی چنین محدودیتی وجود ندارد. شرط تاهل در جامعه ای که هنوز برای

تسهیل در امر ازدواج و امنیت تشکیل خانواده در آغاز یافتن روش های موثر است، جای شگفتی دارد. تخصص های شمرده شده در مراکز مشاوره خانواده که نیمی از آنان حتماً باید از بانوان انتخاب شوند، به کاهش حضور زنان در این مراکز منجر خواهد شد و این تضييع حقوق زنان است.

مالیات بر مهریه

ماده ۲۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه های بالاتر از حد متعارف و غیر منطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدي در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید.

مهریه در حد متعارف چه میزان است؟
مهریه منطقی چیست؟

این ضرب المثل در کشور ما شهرت زیادی دارد: مهریه را کی داد. کی گرفت. اکثر مردم می دانند که کم تر دیده شده است زن به طور کامل مهریه اش را دریافت کند. مگر چه تعداد از زنان مهریه خود را کامل دریافت کرده اند؟ حتی پس از فوت همسر کم تر زنی مهریه دریافت کرده است. حال اگر به مرور ایام و در این سال ها برخی از زنان موفق به دریافت بخشی از مهریه خود شده اند، نشان دادن این واکنش - نظر به حق بودن مهریه - نشان از شتابزدگی دارد. زیرا که بر همگان روشن است آنچه خانواده را مصر به درخواست مهریه های زیاد می کند، به جهت نبودن آینده ای روشن برای دختر است و یا اختلافات خانواده ها آنان را به جهت نبودن تأمین اجتماعی مناسب، به اندیشه پشتوانه بیش تر واداشته است. بهتر است با تدابیری به تأمین آتیه زنان در خانواده اندیشیده شود تا به مرور از مهریه های کلان کاسته شده و تعادلی متناسب ایجاد شود.

اجرت المثل

در لایحه دولت، ماده ۳۱ لایحه قضائی که مربوط به اجرت المثل و حق الزحمه سال های تلاش زن در خانواده است، حذف شده، حال آن که یکی از موضوعات مهم در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال ۱۳۷۱ تبصره ۶ و موضوع حق الزحمه زنان در خانه بوده است.

ماده ۳۱- هرگاه زن پس از طلاق حق الزحمه کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده است، مطالبه نماید، دادگاه سعی در تأمین خواسته وی از طریق تصالح می نماید. در صورت عدم تصالح، چنانچه در این خصوص ضمن عقد یا عقد خارج لازم، شرطی شده باشد مطابق آن عمل می شود

این نگرانی وجود دارد که در آئین نامه ثبت نکاح موقت ازدواج دائم به مفاطره افتاده و کاهش یابد.

و گرنه در صورتی که زن کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده است، به دستور شوهر و بدون قصد تبرع انجام داده و عرفاً برای آن اجرت المثل باشد، دادگاه اجرت المثل کارهای مذکور را با جلب نظر کارشناس محاسبه و حکم به پرداخت آن می نماید. در غیر مورد مذکور، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهای انجام شده و توانائی مالی شوهر، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زن تعیین می نماید.

نظر به نسخ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۳/۲۱ علی رغم وجود تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۸۷/۵/۹ در موضوع اجرت المثل اما به جهت حذف باب نحله و نحوه دادرسی وجود این ماده به جهت حفظ حقوق زنان به جهت زحمات آنان در منزل مورد تأکید قوه قضائیه است و این که چرا حاصل زحمات زنان نادیده گرفته شده است.

موارد دیگر

۱- در ماده ۲۱ دو تبصره مربوط به الزام طرح مشکل خانواده به شوراهای حل اختلاف است که به جهت ویژگی این شورا رأی آنان به زنان تحمیل می شود - هر چند که موضوع طلاق تفکیک شده است - ولی حل مشکل زنان به دادگاه های تخصصی و یا توسط مشاوران متخصص اقدامی است متناسب با شرایط جامعه امروزی ایران. لذا واگذاری پیچیدگی مسائل خانوادگی به شوراهای حل اختلاف جای تأمل و بررسی بیش تری را می طلبد.

۲- در ماده ۳۷ برای اجرای صیغه طلاق، ذکر محل دیگر غیر از دفتر اسناد رسمی نیاز به

شفافیت بیش تری دارد. نظر به تهدید و تطمیع در هنگام اختلافات خانوادگی محل اجرای صیغه طلاق باید محلی رسمی باشد.

۳- در ماده ۵۳ لایحه، ده قانون نسخ می شود حال آن که نظر به جمعیت قوانین اعلام شده توسط سخنگوی قوه قضائیه به نظر می رسد که همه مفاد قوانین مذکور در متن لایحه نیامده است. به جا است بایک تطبیق دقیق، کاهش در حقوق منظور شده قوانین برای زنان نشود.

۴- فعالان حقوق زنان فقط به ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده سرگرم نشوند. تک تک مواد این لایحه باید بررسی شود. بسیاری از مواد این قانون نیاز به بازنگری دارد. در پایان یادآوری این نکته لازم است که به جز درخواست حذف ماده ۲۳، ماده ۲، ماده ۲۱، تبصره های ۱ و ۲ ماده ۲۱، ماده ۲۲، ماده ۲۵، حذف ماده ۳۱ لایحه قضائی از متن لایحه دولت باید بررسی و بازنگری شود. ضمن آن که مواد ۴۴، ۵۱، ۲۷، ۳۸، ۳۴ و ... جای بحث و گفت و گو دارد و قبل از بررسی آن در مجلس شورای اسلامی باید توسط حقوقدانان و جامعه زنان به دقت مورد نقد و اصلاح قرار گیرد.

پرواضح است که محدود کردن حقوق زنان در خانواده معنایی جز کاهش احساس امنیت و تزلزل بنیان خانواده و کاستن از عدالت ثمری ندارد. حفظ و رعایت حقوق زنان موجب تحکیم نهاد خانواده، صمیمیت و محبت بیش تر بین زوجین و در نهایت خانواده ای سالم و جامعه ای سالم تر خواهد شد.

پی نوشت ها:

- ۱- روزنامه اعتماد ملی - مورخ ۸۶/۵/۲۵
- ۲- ایسنا - ۸۶/۵/۲۲
- ۳- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۸ در ماده ۲۸ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۳ هیئت وزیران در ۱۳ ماده است.
- ۴- در بند ۵ منظور از محکومیت زن برای مدت ۵ سال حبس یا بیش تر است.
- ۵- اعتیاد مضر، اعتیاد مضر به زندگی زناشویی است.
- ۶- نظریه شورای نگهبان در مورد قانون ازدواج و حمایت از خانواده در جلسه رسمی فقهای شورای نگهبان موادی از قانون ازدواج و حمایت خانواده بررسی شد و نظر اکثریت فقها به موجب اصل ۴ قانون اساسی به شرح زیر اعلام گردید...
- ۷- روزنامه اعتماد - خشونت روانی، نیمه پنهان خشونت علیه زنان - ۸۶/۷/۲۵
- ۸- ماده ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی در فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر
- ۹- روزنامه اعتماد - ۱۳۸۶/۶/۱۴ - فریده غیرت، وکیل دادگستری
- ۱۰- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۷/۸-۱۳ تبصره ۶
- ۱۱- ماده واحده، یک تبصره به ماده ۳۳۶ قانون مدنی مصوب ۸۵/۷/۲۸ - روزنامه رسمی شماره ۸۵/۱۱/۲۴

آیا این ماده که بدون اجازه زن اول می خواهد به مرد حق ازدواج مجدد بدهد مشولت علیه زنان نیست؟